

موانع مشارکت مردمی در راستای مأموریت نیروی انتظامی در پیشگیری سرقت از منازل

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۱۳

سعید تمنا^۱، داود دعاگویان^۲

از صفحه ۶۱ تا ۸۸

چکیده

زمینه و هدف: در رویکرد پلیس جامعه‌محور، توسعه‌ی مشارکت مردمی، می‌تواند نقش بسیار مهمی در ارتقای عملکرد نیروی انتظامی در کاهش سرقت ایفا کند. هدف این مقاله آن است که ضمن سنجش میزان مشارکت مردم در پیشگیری از سرقت، متغیرهای تأثیرگذار بر این امر شناسایی شود و موانع مشارکت معرفی گردند.

روش‌شناسی: این مطالعه به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی-پیمایشی است. برای اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق، از پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته، که اعتبار آن تأیید گردیده، استفاده شده است. جامعه‌ی آماری، کلیه‌ی سرپرستان خانوارهای ساکن در محدوده‌ی مناطق هشت‌گانه‌ی شهرداری تبریز است که نمونه‌ی ۳۸۶ نفری از آن، با استفاده از روش نمونه‌گیری احتمالی متناسب با حجم، انتخاب شده‌است. **یافته‌ها:** یافته‌ها حاکی از آن است که میانگین میزان مشارکت مردمی در پیشگیری از وقوع سرقت از منازل، در حد ۲/۳ و نسبتاً پایین است و از یازده فرضیه پیشنهادی، تنها تأثیر متغیرهای میزان سرمایه اجتماعی افراد، میزان تمایل به رفتارهای غیرهمیارانه، نوع مالکیت واحدهای مسکونی، منطقه سکونت افراد و موقعیت جغرافیایی آن‌ها، معنادار بوده است.

نتایج: فقدان روش‌های کارآمد و فراگیر، برای آموزش صحیح مشارکت در پیشگیری از سرقت و افزایش کم و کیف آگاهی مردم و در عین حال عدم توجه به نهادینه‌سازی این آگاهی‌ها در بستر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از موانع اصلی بسط و توسعه مشارکت مردمی در پیشگیری از سرقت محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها

سرقت، مشارکت، پیشگیری از سرقت، سرمایه‌ی اجتماعی، آگاهی از روش‌های پیشگیری از سرقت، تعهد عام، تمایل به رفتارهای غیرهمیارانه، انگیزه‌ی مشارکت.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)، saeid.tamana@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه علوم انتظامی امین

یکی از رایج‌ترین جرائمی که در ایران بسیار اتفاق می‌افتد و اهمیت نسبی آن در میان مجموعه‌ی جرائم رو به تزاید است، سرقت یا همان دزدی است. اگرچه میزان گستردگی این جرم در کشور ما نسبت به سایر کشورها پایین است؛ لیکن همین میزان از جرائم نیز برای کشور اسلامی‌مان نگران‌کننده به نظر می‌رسد. به همین دلیل، لزوم پیشگیری و برخورد با این کج‌روی، به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی، می‌تواند یکی از اولویت‌های نیروی انتظامی تلقی شود؛ اما از آنجایی که ظهور و بروز انواع آسیب‌های اجتماعی (از جمله سرقت) ریشه‌های اجتماعی دارند؛ بنابراین، نیروی انتظامی به عنوان متولی اصلی پیش‌گیری از جرائم در کشور به تنهایی قادر به برخورد با این مسئله نمی‌باشد و لازم است در ابعاد اجتماعی نیز زمینه‌های بروز و شکل‌گیری سرقت کاهش یافته و از بین برود.

یکی از زمینه‌های اجتماعی پیش‌گیری از سرقت، مشارکت مردمی است. بررسی‌ها نشان داده‌اند که دلیل وقوع بخش عمده‌ای از سرقت‌ها، سهل‌انگاری و یا عدم آگاهی شهروندان، از اتخاذ تدابیر امنیتی و در نتیجه عدم مشارکت در پیش‌گیری از سرقت بوده است. بر همین اساس است که در رویکرد اخیر نیروی انتظامی (پلیس جامعه‌محور)، به کارگیری و جلب مشارکت مردمی از اولویت خاصی برخوردار بوده و شناسایی موانع تحقق آن اهمیت بسزایی دارد و مقاله حاضر که نتیجه تحقیقی در همین راستا است؛ بدین مهم می‌پردازد.

بیان مسئله

سرقت یا دزدی، یکی از رایج‌ترین جرائم در همه‌ی جوامع و از جمله ایران است که اهمیت نسبی آن در میان مجموعه‌ی جرائم رو به افزایش است (اجلالی، ۱۳۸۳: ۶۳). طبق آمارهای موجود، ایران با ۱۲۲.۷۵۰ مورد سرقت، رتبه‌ی بیست و سوم در بین ۹۳ کشور جهان را به خود اختصاص داده است. اگرچه این شاخص، تصویر کلی خوبی از اهمیت سرقت ارائه می‌کند؛ اما بدون توجه به تعداد جمعیت ایران محاسبه شده، از دقت کافی برخوردار نیست. بنابراین، اگر همین داده‌ها برای جمعیت استاندارد شود؛ می‌توان متوجه شد که «ایران با ۱۹۸/۵ مورد سرقت در هر یکصد هزار نفر جمعیت در سال ۱۹۹۹، در رتبه‌ی ۶۷ قرار دارد» (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵: ۸۶).

اگرچه روند و میزان سرقت در استان آذربایجان شرقی نسبت به متوسط کشور در سطح مناسب‌تری قرار دارد؛ لیکن رتبه‌ی ۱۹ کشوری به این استان تعلق دارد (اجلالی، ۱۳۸۳:

۷۱). سالنامه آماری ۱۳۹۱ نشان می‌دهد که در سال ۹۱، ۱۸۳۷ فقره سرقت از منازل در سطح استان صورت گرفته که سهم تبریز در این میان ۱۱۷۸ فقره (۶۴ درصد) است. از سوی دیگر، بررسی اسناد و مدارک موجود، به‌ویژه قانون تأسیس نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران نیز نشان می‌دهد که مأموریت‌ها و وظایف این نیرو را (تا جایی که به موضوع این تحقیق مربوط است) می‌توان حداقل در دو محور عمده خلاصه کرد:

- استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی؛
- همکاری با سازمان‌های ذی‌ربط، جهت ایجاد و توسعه‌ی زمینه‌های فرهنگی لازم به منظور کاهش جرائم و تخلفات و تسهیل وظایف محوله.

بنابراین، مشاهده می‌شود که یکی از مأموریت‌های اصلی و اساسی پلیس، استقرار نظم و امنیت و تلاش برای پیش‌گیری از وقوع جرائمی مانند سرقت است؛ چرا که یکی از راهبردهای اساسی در حوزه‌ی کنترل اجتماعی، پیش‌گیری است. پیش‌گیری یک راهبرد عمدتاً پیشینی و متشکل از مجموعه‌ی راه‌کارهای مستقیم و غیرمستقیم است که با هدف انجام امکانات و موقعیت‌های بازدارنده از وقوع جرم و کج‌روی طراحی می‌شود. تجربه‌های درازمدت نظام‌های جزایی و هم‌چنین یافته‌های تجربی چند دهه‌ی اخیر نیز نشان داده‌اند که در صورت اجرای صحیح، «پیش‌گیری»، راه‌حلی به مراتب کارآمدتر و مؤثرتر از راهبردهای پسینی مقابله است. این یافته‌ها هم‌چنین حاکی از آن است که پیش‌گیری، کاهش قابل‌توجهی را در نیروها و هزینه‌های مورد نیاز در کنترل اجتماعی در پی دارد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۵۲۶-۵۲۵).

بنابراین، روزبه‌روز از اهمیت وجوه سخت‌افزاری امنیت کاسته شده و بر وجوه نرم‌افزاری آن افزوده می‌شود. به این مفهوم که اگر در گذشته عوامل اجرایی و فیزیکی امنیت (مانند پلیس، قاضی، اسلحه، حفاظت فیزیکی و ...) بیشترین اهمیت را در تأمین امنیت داشتند؛ امروزه علاوه بر تمام این عوامل، وجوه نرم‌افزاری قضیه از قبیل مشروعیت سیاسی، یکپارچگی اجتماعی، انجام کارهای فرهنگی و اجتماعی و مهم‌تر از همه، از میان بردن زمینه‌های وقوع جرم (در اینجا سرقت) حرف اول را در مباحث امنیتی می‌زنند.

بر همین اساس، نیروی انتظامی باید پذیرای مشارکت مردم، در همه‌ی عرصه‌ها بوده و مشارکت مردم را لازمه‌ی تحقق امنیت اجتماعی بداند.

اما منظور از مشارکت چیست؟ مشارکت را می‌توان «هدفی اخلاقی و به معنای روشی برای آموزش مردم به شرکت در اتخاذ تصمیمات گروهی و در عین حال سهیم شدن در مسئولیت‌ها دانست» (سعیدی، ۱۳۸۰: ۸). از نظر فیالکوف، «منظور از مشارکت، دخالت دادن افراد در تصمیم‌گیری است. منظور این نیست که افراد تصمیم‌ها را اتخاذ می‌کنند، بلکه منظور آن است که افراد در فرآیند تصمیم‌گیری نقش دارند» (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۱۱۱).

مشارکت دارای وجوه مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. لیکن مشارکت اجتماعی که یکی از مهم‌ترین وجوه آن محسوب می‌شود و به فرایندی اطلاق می‌شود که از طریق آن اجتماع، جماعت یا گروه باهم می‌پیوندند تا عملکردهای مورد انتظار یا مورد نیاز را به اجرا درآورند.

هر چند که گفته می‌شود «استفاده از مشارکت در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نظام‌مند شده است» (فیالکوف، ۱۳۸۳: ۱۱۸)؛ لیکن طبق گزارش توسعه‌ی انسانی، «احتمالاً کم‌تر از ۱۰ درصد مردم جهان در زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌طور کامل مشارکت می‌کنند و مابقی نظارتی بر زندگی خود ندارند» (سعیدی، ۱۳۸۰: ۱۲).

یکی از شروط مهم مشارکت مردم در پیش‌گیری از وقوع جرائم (به ویژه سرقت)، بحث نوع نگرش مدیریت نیروی انتظامی و سایر سازمان‌های ذی‌ربط به مشارکت است. در واقع اینجا بحث رویکرد جدید پلیس جامعه‌محور اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بدین مفهوم که امروزه «نیروی انتظامی در نقد عملکرد گذشته‌ی خود (رویکرد عمل‌محور)، تنها متکی به نیروی پلیس و نظام جزایی نیست؛ بلکه ضمن تقاضا از مردم برای همکاری در راستای تأمین امنیت، بهبود شرایط اجتماعی به لحاظ حفظ آرامش و پیش‌گیری از وقوع جرم راه، در گرو مشارکت مردم می‌داند» (اتکینسون، ۱۳۸۵: ۱۲-۱۱)؛ یعنی مردم و نیروی انتظامی با شناسایی مسائل یا اولویت‌ها از طریق ارزیابی نیازهای هماهنگ پلیس و جامعه و سپس پیش‌گیری از وقوع سرقت، کنترل و نظارت بر جامعه را بر عهده می‌گیرند.

به‌طور خلاصه، می‌توان کارکردهای مشارکت را تقویت همبستگی و علاقه‌مندی مردم به یکدیگر، گرایش به جمع و درک ضرورت‌های گفتگو، برای حل مشکلات موجود، کاهش دشواری‌های ناشی از کمبود سرمایه و نیروی انسانی و بالاخره افزایش بهره‌وری و نیل به توسعه پایدار برشمرد.

شیوه‌های مشارکت با نیروی انتظامی در زمینه پیش‌گیری از وقوع سرقت از منازل نیز، از جمله موارد مهمی است که بر پایه تحقیقات انجام شده، اولاً شهروندان آشنایی کافی با آن‌ها ندارند و ثانیاً در صورت آشنایی نیز چندان رغبتی به کار بست آن‌ها نشان نمی‌دهند. به عنوان نمونه، در تحقیقی که توسط هاتفی به انجام رسیده است؛ در مقایسه‌ی برخی از ویژگی‌های سرقت از اماکن در یزد، خرم‌آباد و تهران نشان داده است که در یزد، ۲۰/۴۵ درصد سرقت‌ها از طریق شکسته شدن شیشه، ۱۹/۳ درصد از طریق بالا و پایین کردن مغزی‌های درب ورودی و ۱۵/۷۸ درصد از طریق باز بودن درب و پنجره صورت گرفته است (هاتفی، ۱۳۸۳: ۹۲). این بدان معنی است که اگر شهروندان یزدی، پنجره‌ها را نرده‌کشی کرده و از قفل‌های با ایمنی بیشتر استفاده می‌کردند و یا در بستن درب و پنجره دقت بیشتری به خرج می‌دادند، از وقوع بیش از نیمی از سرقت‌ها پیش‌گیری به عمل می‌آمد. هم‌چنین پژوهشگران دیگری در بیان یافته‌های مربوط به عوامل اجتماعی مرتبط با سرقت در استان کردستان، اظهار می‌دارند که: «سارقان درباره‌ی علاقه‌مندی به مکان‌های سرقت، ۱۵/۳ درصد منزل را عنوان کرده‌اند»؛ و درباره‌ی «دلیل انتخاب اولین مکان سرقت، ۱۳/۱ درصد وجود فرصت مناسب را مطرح کرده‌اند» و نیز «در مورد متغیر حضور صاحب مال در محل به هنگام سرقت، ۴۴/۷ درصد پاسخ منفی داده‌اند» (هوشمند و کوه‌شکاف، ۱۳۸۳: ۱۳۱-۱۲۹).

بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که میزان مشارکت مردم در پیش‌گیری از سرقت از منازل، در حد مناسبی نبوده و موانعی بر سر راه مشارکت وجود دارد. بر همین اساس، سؤالات تحقیق عبارت‌اند از:

۱. میزان مشارکت مردم در راستای مأموریت‌های نیروی انتظامی در پیش‌گیری از سرقت چقدر است؟
۲. عوامل اثرگذار بر میزان مشارکت مردمی، در پیش‌گیری از سرقت از منازل کدام‌اند؟

۳. کدام عوامل به عنوان موانع مشارکت مردمی، در پیش‌گیری از سرقت از منازل وجود دارد؟

۴. چه راهکارهایی برای حذف یا کاهش موانع مشارکت مردمی، در پیش‌گیری از سرقت وجود دارد؟

مبانی نظری تحقیق

در دهه‌ی ۱۹۶۰، «مشارکت» مفهوم کاربردی وسیعی به خود گرفت و نویسندگان و پژوهشگران این عرصه، تعاریف متعددی از مشارکت ارائه کردند.

تن‌برگ اعتقاد دارد که مشارکت یک درگیری ذهنی و عاطفی در موقعیت‌های گروهی است که افراد را برمی‌انگیزاند تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی هم‌دیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (فرید یحیایی، ۱۳۸۰: ۴۰). آلن بیرو^۱ مشارکت را تعلق فرد به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن می‌داند (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۵۷) و محسنی تبریزی مشارکت را فرایند توسعه فعالیت‌های اجتماعی (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۹۲) و شاتزو^۲ نیز مشارکت را درگیری مستقیم مردم در تصمیم‌گیری‌ها از طریق یک سری مکانیسم‌های رسمی یا غیررسمی می‌داند (شاتزو، ۱۹۷۷: ۱۴۱). آنچه که مسلم است؛ اینکه، مشارکت اجتماعی افراد با نیروی انتظامی - به منظور پیشگیری از سرقت از منازل - می‌تواند در ابعاد سه‌گانه خرد، میانه و کلان صورت گیرد. بدین معنی که در سطح خرد، فرد با اتخاذ تدابیر امنیتی لازم، ضمن پیشگیری از وقوع سرقت از منزل خود، در حفظ و تداوم امنیت در جامعه مشارکت دارد. لیکن از آنجایی که کنش‌های فردی در خلأ صورت نمی‌گیرد و این کنش در درون گروه معنا می‌یابد؛ بنابراین، مشارکت افراد در سطح متوسط نیز می‌تواند بدین شکل صورت گیرد که آنان ضمن همکاری با پلیس در جهت اطلاع‌رسانی به موقع و دقیق به پلیس در خصوص مشکلات و خلأهای امنیتی محتمل، از وقوع سرقت از منازل همسایگان در محله پیشگیری کنند. هم‌چنین، همکاری افراد در محلات و مجتمع‌های مسکونی، در جهت افزایش امنیت محله، می‌تواند یکی دیگر از وجوه مشارکت در سطح متوسط باشد. از سوی دیگر، اگرچه مشارکت از سوی افراد و در قالب گروه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد؛

1. Birou, A.
2. Schatzow

اما باید توجه کرد که در سطح کلان، این ساختارهای پهن دامنه هستند که شرایط مشارکت در یک سیستم اجتماعی را فراهم می‌آورند. بنابراین می‌توان گفت که اثرات و تبعات این همکاری‌ها در سطوح خرد و متوسط می‌تواند به معنای مشارکت افراد جامعه در پیشگیری از وقوع جرائم و حفظ امنیت در سطح کلان تلقی شود. لیکن با توجه به اهداف تحقیق و در راستای تحدید مسئله، در این تحقیق بحث موانع مشارکت مردمی در سطوح خرد و متوسط مورد بررسی قرار گرفت.

به‌طور کلی می‌توان به نظریه‌های عمده‌ای اشاره کرد که درصدد تبیین موانع مشارکت‌های مردم با پلیس در پیشگیری از سرقت از منازل در دو سطح خرد و میانه هستند؛ لیکن از میان نظریه‌های متعددی که توانایی تبیین چنین موضوعی را دارند؛ می‌توان به نظریه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، گزینش عقلانی، عمل جمعی، تبادل، تفسیرگرایی، کارکردگرایی ساختاری و نیز نظریه پیشگیری از بزه‌دیدگی در حوزه‌ی جامعه‌شناسی آسیب‌های اجتماعی اشاره کرد که هر کدام از این‌ها، می‌توانند تبیین‌های روشنی از مشارکت مردمی در راستای مأموریت‌های نیروی انتظامی (پیشگیری از سرقت) ارائه دهند.

بورديو یکی از نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی، بر این نظر است که سرمایه‌ی اجتماعی، حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه‌ی مالکیت شبکه‌ی باده‌وامی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر، عضویت در یک گروه است. سرمایه‌ی اجتماعی، محصول نوعی سرمایه‌گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه است که به دنبال تثبیت یا بازتولید روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه‌مدت یا بلندمدت قابل استفاده هستند (شارع‌پور، ۱۳۸۳: ۶۸). کلمن نیز سرمایه‌ی اجتماعی را بخشی از ساختار اجتماعی می‌داند که به کنش‌گر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منابع خود دست یابد (همان: ۶۹). پوتنام سرمایه‌ی اجتماعی را «اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که همکاری و تعاون را برای نیل به منافع متقابل آسان می‌سازد، می‌داند (همان: ۷۰). آنچه که مسلم است اینکه بخش عمده‌ی نظریه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، مبتنی بر بحث اعتماد است؛ چرا که اعتماد ارتباط تنگاتنگی با رابطه‌ی متقابل تعمیم‌یافته داشته و به‌طور کلی، شاخص مناسبی برای پیوندهای مثبت و متقابل است و می‌توان گفت که شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی محلی، مزایای متعددی دارد. آن دسته از پیوندهای

اجتماعی که از نظر فیزیکی در دسترس هستند، برای فراهم ساختن حمایت‌های ابزاری مانند همکاری در امور محله مناسب هستند؛ بنابراین محلات با سرمایه‌ی اجتماعی بیشتر، امن‌تر هستند؛ از میزان اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردارند و آمادگی بیشتری برای برخورد با مسائل محلی دارند (باستانی، ۱۳۸۷: ۶۰).

از سوی دیگر بر طبق نظریه‌ی گزینش عقلانی، مردم در انتخاب یک راه از بین راه‌های مختلف، محاسبه‌ی سود و زیان آن راه را می‌کنند و اتفاقات اجتماعی از قبیل بروز اعمال دسته‌جمعی، وجود نهادهای بادوام اجتماعی و فرایند تحولات اجتماعی و اقتصادی، حاصل جمع اعمال افراد بسیاری است که بر اساس محاسبات عقلانی عمل می‌کنند (لیتل، ۱۳۷۳: ۶۴). لذا علل عدم مشارکت شهروندان با پلیس، به محاسبه‌ی سود و زیان مشارکت از سوی شهروندان اشاره دارد. چنانچه در مجموع شهروندان به این نتیجه برسند که هزینه‌های مشارکت بیشتر از سود آن است، طبیعی است که از اتخاذ رفتار مشارکتی امتناع خواهند کرد. به عنوان مثال، اگر نصب قفل‌های ایمنی با سطح امنیتی بالاتر، خارج از توان اقتصادی شهروندان باشد؛ احتمالاً آن‌ها اقدام به این کار (و مشارکت با پلیس) نخواهند کرد (لیتل، ۱۳۷۳: ۱۰۱-۹۸؛ بیرهوف، ۱۳۸۴: ۲۳۶-۲۳۵؛ جوادی، ۱۳۸۳: ۱۵۵). این رویکرد بیان می‌دارد که اگر کنش‌گر به همکاری دیگران اعتماد نداشته باشد- با این استدلال که کالای مشترک بدون همکاری او توسط دیگران تولید خواهد شد یا با این استدلال که چرا من جزو کسانی نباشم که هزینه نمی‌کنند؛ اما بهره می‌برند- همکاری نخواهد کرد (معیدفر و دربندی، ۱۳۸۵: ۴۱).

بر طبق نظریه تبادل، کنش‌های متقابل تنها وقتی ادامه می‌یابند که تبادل پاداش‌ها در کار باشد. برعکس، کنش‌های متقابلی که به زیان یکی از دو طرف انجامند، کمتر احتمال می‌رود که ادامه یابند (ریترز، ۱۳۷۴: ۹۲). بلاو، مبادله و مشارکت اجتماعی بین افراد را متضمن اعتماد می‌داند که به عنوان یکی از شریف‌ترین خصایص انسانی در نظر گرفته می‌شود. از نظر بلاو، مبادله اجتماعی برخلاف مبادله اقتصادی، اعتماد را در میان مردم ایجاد می‌کند و افراد را در درون گروه‌های منسجم می‌سازد (شکل ۱) (بلومر، ۱۹۶۹).

انسجام اجتماعی → دوستی → اعتماد → مبادله اجتماعی

شکل ۲: نظام مبادله اجتماعی و اعتمادسازی

با گسترش کنش‌های مورد انتظار و موافق، این اعتقاد تقویت می‌شود که تعهدات انجام خواهد شد و از این طریق، به تدریج در میان مذاکره‌کنندگان رابطه اعتماد دوجانبه و توسعه مشارکت‌ها ایجاد می‌شود (دعاگویان، ۱۳۸۲: ۱۳۵؛ وثوقی و فرجی، ۱۳۸۵: ۱۰۸). بر همین اساس، می‌توان گفت که اگر مشارکت مردم با نیروی انتظامی در اتخاذ تدابیر پیشگیرانه از سوی این نیرو مورد تقدیر قرار گرفته و پاداش داده شوند، احتمال اینکه مشارکت با نیروی انتظامی دوباره تکرار شود افزایش می‌یابد و در نهایت می‌توان به نظریه بزه دیده‌شناختی اشاره کرد که توجه خود را به نقش آفرینی بزه‌دیدگان یا آماج‌های مستعد بزه‌دیدگی در شکل‌گیری وقایع کجروانه معطوف ساخته و پیشنهادهای کنترلی خود را با هدف بی‌اثر ساختن متغیرهای گوناگون تأثیرگذار در این فرآیند در سطوح مختلف فردی، موقعیتی و ساختاری ارائه می‌کنند. در این میان، تحلیل‌های موقعیتی از جایگاه ارزشمندتری در قلمرو سیاست‌های کنترلی برخوردار هستند. این دیدگاه‌ها که از رویکرد گزینشی تأثیر پذیرفته‌اند، مناسب‌ترین راه پیشگیری از وقوع جرم را پرهزینه ساختن (و یا نمایاندن) کجروی برشمرده و رسیدن به این مهم را با حفاظت بهتر از آماج‌های مستعد بزه‌دیدگی ممکن می‌دانند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۵۲۸-۵۲۵).

پیشینه تحقیق

هرچند ضرورت مشارکت اجتماعی در حوزه‌های مختلف، مورد توجه برخی نظام‌های سیاسی قرار گرفته است؛ لیکن هنوز گام‌های اندکی در راستای بسط و توسعه‌ی مطالعات مرتبط برداشته شده‌است. با این وجود در خصوص موانع مشارکت در پیشگیری از سرقت نیز منابعی یافته نشد؛ لیکن در زیر به چند مورد از تحقیقاتی که تا حدی به‌طور غیرمستقیم به موضوع ما مرتبط هستند اشاره می‌شود:

۱- در تحقیق رساله کارشناسی ارشد مجیدی با عنوان «بررسی میزان اثربخشی اقدامات پلیس پیشگیری در کاهش سرقت خودرو در مشهد سال ۱۳۸۶» آمده است که استفاده از نیروهای مجرب و آموزش‌دیده در کنار بهره‌گیری از تجهیزات مناسب و استفاده از منابع و مخبرین و مشارکت‌های مردمی، نقش مهمی در شناسایی سارقان دارد (مجیدی، ۱۳۸۶: ۱۵۹).

۲- همچنین تحقیق دیگری توسط دارایی فرد در خصوص «عوامل مؤثر بر کشف

خودروهای مسروقه سال ۸۵ در تهران بزرگ» با روش تحقیق توصیفی-پیمایشی با جامعه نمونه ۱۰۶ نفری کارکنان و کارشناسان پلیس آگاهی تهران بزرگ، انجام گرفته است و نتایج این تحقیق نشان داده است که برای مبارزه و کشف خودروهای مسروقه، باید به عواملی مانند تقویت نیروی انسانی از نظر کمی و کیفی و آموزش تخصصی و جلب مشارکت مردمی و همچنین تعامل و همکاری با سازمان‌ها و مؤسسات درون و برون‌سازمانی در کشف اتومبیل‌های مسروقه توجه کرد (دارایی فرد، ۱۳۸۵: ۱۶۴).

۳- در تحقیق با عنوان «وجه‌نظرها و رفتار مشارکتی مردم شهرستان تهران، در مسائل مرتبط با وظایف ناجا و عوامل مؤثر بر آن ۸۰-۷۹» آورده شده است که چگونه برخی فعالیت‌های کنترل اجتماعی را به عهده‌ی مردم و نهادهای جامعه گذاشته و شرکت آن‌ها در زمینه‌های اقتصادی، علمی، فرهنگی و اجتماعی اجرایی با نیروی انتظامی جامعه را افزایش داد و از چه مجاری می‌توان نحوه و الگوی مشارکت همگانی در کنترل اجتماعی را ترویج کرد؟ گونه‌های مشارکت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مردم در سازمان‌های مردمی در فعالیت‌های نیروی انتظامی چگونه می‌تواند باشد؟ با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل عامل روش‌های آموزشی مؤثر شهروندان تهرانی در خصوص مسائل نیروی انتظامی، سه عامل استخراج شده است. عامل اول تحت عنوان آموزش رسانه‌های عمومی (ساخت سریال، کلیپ تلویزیونی، فیلم، انتشار کتاب و نشریات و ...)؛ عامل دوم تحت عنوان آموزش کلاسی و ... (ادامه‌ی مطلب در ویژه‌نامه‌ی مورد نظر ناقص است) (اداره‌ی کل مطالعات اجتماعی ناجا، ۱۳۸۴: ۴۶-۴۵).

۴- در تحقیق دیگری با عنوان «بررسی نگرش‌های مردم درباره‌ی عملکرد و مأموریت‌های نیروی انتظامی، مقایسه‌ی تطبیقی شش شهر»، نظرات شهروندان شهرهای تهران، اصفهان، اهواز، تبریز، کرمانشاه و زاهدان در خصوص میزان آگاهی شهروندان از مجموعه‌ی وظایف و مأموریت‌های نیروی انتظامی و برخی موارد دیگر مورد سنجش قرار گرفته است. داده‌های حاصله از این بررسی پیمایشی، حاکی از زمینه‌های نسبتاً مطلوبی در این خصوص است؛ مانند تأکید پاسخگویان بر عمل به قانون توسط مردم، گزارش کردن تخلفات، اعتماد به نیروی انتظامی و ضرورت تربیت فرزندان و ... که بیان پایبندی به نظم اخلاقی و در عین حال، نشان از دل‌نگرانی صادقانه برای سلامت جامعه است (همان: ۴۸-۴۷).

۵- صفری شالی در تحقیق دیگری با عنوان «بررسی ابعاد جامعه‌شناختی امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، با تحلیل ثانویه پژوهش‌های پیمایشی خود و تحلیل مسیر، نشان داده‌است که متغیرهای «مشارکت اجتماعی» با ضریب تأثیر ۰/۱۸، «فضای مناسب اخلاق عمومی» با ضریب تأثیر ۰/۱۷، «رضامندی» با ضریب تأثیر ۰/۱۵، اعتماد اجتماعی با ضریب تأثیر ۰/۱۲، «همبستگی اجتماعی» با ضریب تأثیر ۰/۱۱ تأثیر بیشتری بر متغیر امنیت اجتماعی دارند (صفری شالی، ۱۳۸۷: ۸۵).

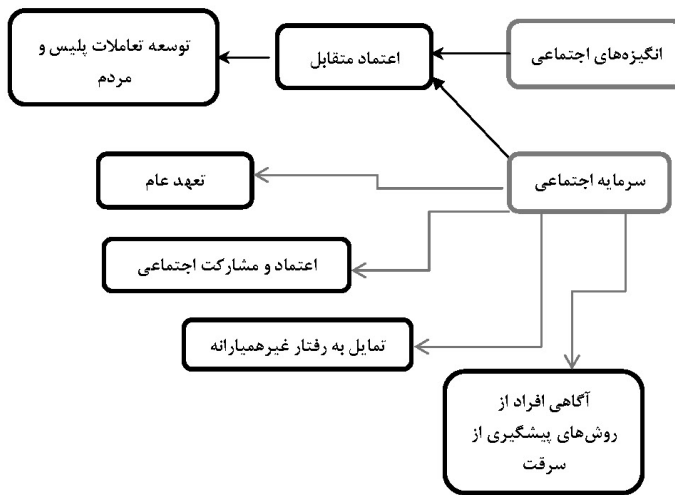
۶- معیدفر در تحقیق خود با عنوان «هویت محله‌ای و پیشگیری از جرم»، در پی بررسی نقش محله‌گرایی (تعلق محله‌ای) در کاهش و کنترل رفتارهای ناهنجار اجتماعی در شهر تهران؛ وابستگی و تعهد اجتماعی را از عوامل مؤثر بر مشارکت به حساب می‌آورد که در نهایت این مشارکت بر گرایش منفی به ناهنجاری تأثیر می‌گذارد. جمعیت آماری تحقیق ساکنان ۳۷۱ محله‌ی شهر تهران بوده، به لحاظ سنی افراد بالای ۱۵ سال را در برمی‌گرفت. حجم نمونه ۳۷۲ نفر در نظر گرفته شده و در ۶ محله از محله‌های تهران به اجرا درآمده است. آزمون فرضیه‌های این تحقیق نیز نشان می‌دهد که بین میزان وابستگی افراد به محله و هویت محله‌ای، بین میزان تعهد افراد به محله و هویت محله‌ای و نیز بین هویت محله‌ای و میزان مشارکت افراد، همبستگی معناداری وجود دارد (معیدفر، ۱۳۸۷: ۳۶۵-۸۲).

۷- شایگان نیز در تحقیقی با عنوان «نقش سرمایه‌ی اجتماعی پلیس در جلب همکاری مردم در جهت برقراری نظم و امنیت» بر این باور است که آمادگی مردم برای مشارکت با پلیس و همکاری آن‌ها در تأمین امنیت، به عوامل متعددی همچون میزان سرمایه‌ی اجتماعی پلیس نیاز دارد. جامعه‌ی آماری این تحقیق، رؤسای کلانتری‌های شهر تهران است که برای نمونه ۴۵ نفر آنان مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. پایایی پرسشنامه‌ی به کار گرفته‌شده نیز بر اساس آلفای کرونباخ، ۰/۸۵ برآورد شده است. یافته‌های این تحقیق نشان داده است که همبستگی بالایی ($\text{Gamma}=0/62$ و $\text{Sig}=0/000$) بین میزان سرمایه‌ی اجتماعی پلیس و همکاری با پلیس وجود دارد؛ لذا محقق چنین نتیجه می‌گیرد که مردم در همکاری با پلیس، به طرف مقابل نگاه می‌کنند. هر چه پلیس بیشتر با آن‌ها ارتباط داشته باشد و به آن‌ها اعتماد کند، قطعاً روابط مردم هم با او صمیمانه خواهد شد و در نهایت نتیجه‌ی مثبتی برای جامعه در ایجاد نظم و امنیت دارد (شایگان، ۱۳۸۸: ۷۸-۵۹).

۸- باستانی در «بررسی سرمایه‌ی اجتماعی شبکه در ۱۰ محله‌ی تهران» بر اساس ۳۱۸ مصاحبه‌ی ساخت‌یافته و رودررو، نتیجه گرفته‌است که نیمی از پیوندهای شبکه‌ای پاسخگویان با خویشاوندان و نیم دیگر با غیرخویشاوندان است. هم‌چنین، اگرچه اکثر اعضای شبکه‌ی افراد در تهران ساکن هستند، تنها یک‌چهارم آن‌ها در محله‌ی پاسخگویان ساکن هستند. توزیع پیوندها حاکی از آن است که بیشتر پیوندها با افرادی است که خارج از محله‌ی فرد ساکن هستند. وی نتیجه‌گیری می‌کند که روابط شخصی در میان ساکنان محلات مورد بررسی، غیر محلی شده است؛ اما این بدان معنا نیست که شبکه‌های محلی هیچ کاربردی ندارند. به سادگی می‌توان کارکردهای مهم محلات را مشاهده کرد. محله‌ها زمینه‌ای برای شکل‌گیری پیوندهای ضعیف فراهم می‌سازند و این پیوندها برای تغییر محیط اجتماعی افراد حائز اهمیت هستند. پیوندهای محله‌ای می‌توانند تأثیر مهمی بر جنبه‌های غیر محله‌ای اجتماعات شخصی داشته باشند (باستانی، ۱۳۸۷: ۷۳-۶۱).

الگوی مفهومی تحقیق

حال بر اساس نظریه‌های مطرح‌شده، می‌توان رابطه برخی متغیرهای مستقل نظیر سرمایه‌ی اجتماعی افراد، موقعیت جغرافیایی واحدهای مسکونی، انگیزه‌ی مردم از مشارکت، میزان آگاهی افراد از روش‌های پیشگیری از سرقت، میزان تعهد عام و بالاخره میزان تمایل به رفتارهای غیر همیارانه با متغیر وابسته؛ یعنی میزان مشارکت در پیشگیری از وقوع سرقت، به عنوان الگوی مفهومی تحقیق اشاره کرد.



الگوی مفهومی تحقیق

موانع مشارکت مردمی در راستای مأموریت نیروی انتظامی در پیشگیری از سرقت از منازل

روش‌شناسی تحقیق

نوع مطالعه: روش انجام تحقیق حاضر را باید از نوع روش پیمایش دانست؛ زیرا اگرچه در تحقیقات پیمایشی فرضیات خاصی به آزمون کشیده می‌شود، اما غالباً اهداف دیگری مانند توصیف و تشریح خصوصیات نمونه‌ی انتخاب‌شده و سنجش وجود و آثار عوامل مختلف نیز در میان است. برای جمع‌آوری داده‌ها نیز، در این تحقیق از روش پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شده‌است.

جامعه و نمونه‌ی آماری: جامعه‌ی آماری در این تحقیق شامل کلیه‌ی سرپرستان خانوارهای ساکن در منازل مسکونی واقع در محدوده‌ی مناطق هشت‌گانه‌ی شهرداری تبریز می‌باشند که با روش نمونه‌گیری احتمالی متناسب با حجم ابتدا تعداد خانوارهای ساکن در هر منطقه، بر تعداد خانوارهای کل شهر تقسیم و در صد ضرب شد تا نسبت خانوارهای ساکن در هر کدام از مناطق هشت‌گانه‌ی شهر تبریز مشخص شود. سپس از آنجا که واریانس جامعه در دسترس نبود، محقق بر آن شد تا از مبحث احتمال وقوع و عدم وقوع به میزان نصف‌نصف بهره‌گیرد که در این صورت، بر اساس فرمول کوکران نمونه‌ی آماری مورد نیاز برای انجام این تحقیق، با سطح اطمینان ۹۵ درصد، معادل

۳۸۶ خانوار شده است. حجم نمونه بر اساس نسبت‌های مشخص شده برای هر کدام از مناطق، نسبت‌بندی شد و فهرستی از محلات مختلف شهر در هر منطقه تهیه و بر اساس تجارب شخصی پژوهشگر از توزیع جمعیت و بلوک‌بندی محلات در هر منطقه و نیز اطلاعات ارائه‌شده از طرف نیروی انتظامی در خصوص فراوانی وقوع سرقت در این مناطق، سهمی از پرسشنامه‌ها برای هر محله اختصاص یافت. همچنین برای تضمین اعتبار پرسش‌نامه، گویه‌ها به متخصصان نشان داده شده و از نظرات آن‌ها برای تصحیح پرسشنامه کمک گرفته شد. بدین ترتیب پرسشنامه‌ی این تحقیق از اعتبار محتوایی برخوردار بوده‌است. برای آزمون پایایی ابزار اندازه‌گیری نیز، میزان آلفای کرونباخ برای متغیرهایی که به صورت سازه تهیه شده بودند، محاسبه گردید و معلوم شد که مقدار آلفای کرونباخ برای هریک از خرده مقیاس‌های متغیرهای مستقل مرتبط ۰/۶۶ تا ۰/۸۸۱ و متغیر وابسته ۰/۸۲۵ است که حاکی از سطح مناسب پایایی آن‌هاست.

یافته‌های تحقیق

الف) یافته‌های توصیفی

از مجموع ۳۸۶ سرپرست خانوار، بیش از ۸۰ درصد آن‌ها مرد و حدود ۲۰ درصد زن هستند. میانگین سنی آن‌ها ۴۷/۷ بوده و از نظر سطح تحصیلات نیز بیشترین تعداد مربوط به تحصیلات پیش‌دانشگاهی یا دیپلم و پایین‌تر (۷۶/۷ درصد) و کمترین آن مربوط به دارندگان مدرک کارشناسی ارشد و دکترا (۴/۴ درصد) است. از نظر منطقه سکونت و بر اساس ساختار جمعیتی مناطق شهرداری، بیشترین پاسخگویان به منطقه ۳ شهرداری با ۲۴/۴ درصد و کمترین پاسخگویان به منطقه ۸ با ۱/۶ درصد تخصیص یافته است. از نظر وضعیت مالکیت واحد مسکونی نیز بیش از ۷۱ درصد پاسخگویان دارای واحد مسکونی شخصی هستند و کمترین گزینه مربوط به کسانی است که در خانه‌های سازمانی زندگی می‌کنند (۱/۳ درصد). از نظر موقعیت جغرافیایی واحد مسکونی نیز ۷۶/۴ درصد (۲۸۸ نفر) از پاسخگویان در منزل مسکونی خود دارای حیاط هستند و از بین این تعداد تنها ۴۲/۷ درصد (۱۲۳ نفر) حیاطشان به کوچه یا خیابان راه دارد.

بررسی سایر متغیرهای مستقل نیز نشان می‌دهد که میزان سرمایه اجتماعی پاسخگویان تقریباً در حد متوسطی قرار دارد؛ زیرا میانگین نمرات آن‌ها، با دامنه تغییرات

۱ تا ۴، حدود ۲/۷ است. ولی میزان آگاهی پاسخگویان از روش‌های پیشگیری از سرقت در حد بالایی قرار دارد. میزان تعهد عام پاسخگویان نیز، با توجه به میانگین نمرات آن‌ها در حد متوسط بالایی قرار دارد (۳/۴). میزان تمایل به رفتارهای غیر همیارانه نیز، در حد متوسطی قرار دارد؛ زیرا میانگین نمرات پاسخگویان برابر با ۲/۹ است. انگیزه مردم از مشارکت با نیروی انتظامی نیز، در حد متوسط بالایی قرار دارد (۳/۴۳).

از سوی دیگر نتایج توصیفی نشان می‌دهد که سطح آگاهی پاسخگویان، نسبت به همه روش‌های پیشگیری در یک سطح برابر قرار ندارد و در نتیجه میزان به‌کارگیری روش‌های پیشگیری توسط آن‌ها نیز تا حدود زیادی (همچنان که در آزمون فرضیه‌ها خواهد آمد)، تحت تأثیر میزان آگاهی پاسخگویان و سایر عوامل تغییر می‌یابد. روش‌هایی که نسبت به آن‌ها ابراز آگاهی کمتری شده است، به ترتیب اولویت عبارت‌اند از:

۱. عدم آگاهی نسبت به آموزش موارد امنیتی به کودکان و افراد مسن و سالخورده (۵۹/۸ درصد)؛
۲. عدم آگاهی نسبت به ایمن کردن تویی قفل درب یا درب‌های ورودی ساختمان (۵۲/۳ درصد)؛
۳. عدم آگاهی نسبت به نرده‌کشی دیوارهای حیاط پشتی (در صورت لزوم) (۳۹/۹ درصد)؛
۴. عدم آگاهی نسبت به تهیه و نگهداری فهرستی از لوازم منزل و شماره‌ی سریال آن‌ها (۲۳/۸ درصد).

اما میزان به‌کارگیری روش‌های پیشگیری از سرقت توسط پاسخگویان چگونه است؟ ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که وقتی مردم نسبت به روش‌ها آگاهی دارند؛ میزان مشارکتشان نیز در سطح نسبتاً بالایی خواهد بود؛ اما داده‌های جدول فوق چنین رویکردی را تأیید نمی‌کنند. روش‌های پیشگیری از سرقت که نسبت به سایر موارد بیشتر به کار گرفته نشده‌اند؛ به ترتیب اولویت (از نظر درصد بیشتر عدم به‌کارگیری) عبارت‌اند از:

۱. ندادن اطلاعات به افراد ناشناس (پشت خط تلفن یا پشت در) (۶۷/۶ درصد)؛
۲. پرداخت هزینه برای استخدام نگهبان محله یا مجتمع (۶۱/۱ درصد)؛

۳. باز نکردن در به روی افراد ناشناس (۵۷ درصد)؛
۴. تهیه و نگهداری فهرستی از لوازم منزل و شماره‌ی سریال آن‌ها (۴۲ درصد)؛
۵. نرده‌کشی دیوارهای حیاط پشتی (در صورت لزوم) (۴۱/۷ درصد)؛
۶. نصب نرده جلوی تمامی پنجره‌های قابل دسترسی (۳۷ درصد)؛
۷. روشن نگه‌داشتن محوطه‌ی بیرون منزل (۳۶/۸ درصد).
- از نظر به کارگیری روش‌های پیشگیری از سرقت توسط پاسخگویان نیز، روش‌های زیر که با ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه ما بیشتر همخوانی دارند و در عمل بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ به ترتیب اولویت عبارت‌اند از:
۱. قفل کردن کلیدی درب‌های داخل ساختمان هنگام خروج از منزل (۵۳/۶ درصد)؛
۲. مطلع ساختن همسایگان مورد اعتماد از برنامه و مقصد سفر (۴۲/۷ درصد)؛
۳. تعویض قفل‌های منزل جدید (۴۱/۲ درصد)؛
۴. نصب نرده جلوی تمامی پنجره‌های قابل دسترسی (۳۵/۲ درصد).
- بدیهی است، همچنان که خواهیم دید؛ چنین یافته‌هایی می‌توانند تا حد زیادی ما را در پیدا کردن موانع مشارکت مردمی در پیشگیری از سرقت یاری کنند (جدول شماره ۱).

جدول ۱: میزان آگاهی مردم از روش‌های پیشگیری از سرقت

| ردیف | روش‌های پیشگیری از سرقت | وجود آگاهی (درصد) | | میزان به کارگیری روش‌های پیشگیری از سرقت (درصد) | | | |
|------|---|-------------------|------|---|--------|-----------|----------|
| | | بله | خیر | اصلاً (۱) | کم (۲) | متوسط (۳) | زیاد (۴) |
| ۱ | نصب نرده جلوی تمامی پنجره‌های قابل دسترسی | ۹۸/۴ | ۱/۶ | ۳۷ | ۹/۸ | ۱۶/۱ | ۳۵/۲ |
| ۲ | پرداخت هزینه برای استخدام نگهبان محله یا مجتمع | ۸۷/۶ | ۱۲/۲ | ۶۱/۱ | ۷ | ۹/۳ | ۱۳/۲ |
| ۳ | نرده‌کشی دیوارهای حیاط پشتی (در صورت لزوم) | ۵۹/۳ | ۳۹/۹ | ۴۱/۷ | ۵/۷ | ۵/۲ | ۱۲/۷ |
| ۴ | تهیه و نگهداری فهرستی از لوازم منزل و شماره‌ی سریال آن‌ها | ۷۵/۹ | ۲۲/۸ | ۴۲ | ۱۲/۷ | ۱۴ | ۹/۱ |
| ۵ | تعویض قفل‌های منزل جدید | ۹۱/۷ | ۸ | ۳۰/۳ | ۹/۸ | ۱۱/۹ | ۴۱/۲ |
| ۶ | اطلاع به همسایگان مورد اعتماد از برنامه و مقصد سفر | ۹۴/۶ | ۵/۲ | ۲۰/۵ | ۱۳/۲ | ۱۸/۹ | ۴۲/۷ |

میزان به کارگیری روش‌های پیشگیری از سرقت (درصد)

میانگین (نمره)

لازم نیست

زیاد (۴)

متوسط (۳)

کم (۲)

اصلاً (۱)

بله

خیر

وجود آگاهی (درصد)

روش‌های پیشگیری از سرقت

ردیف

ادامه جدول ۱: میزان آگاهی مردم از روش‌های پیشگیری از سرقت

| | | | | | | | | | |
|-----|-----|------|------|------|------|------|------|---|----|
| ۲/۵ | ۲/۶ | ۱۵ | ۹/۸ | ۹/۳ | ۱۵/۳ | ۵۲/۳ | ۴۷/۴ | ایمن کردن تویی قفل درب یا درب‌های ورودی ساختمان | ۷ |
| ۲/۶ | ۰/۳ | ۳۲/۶ | ۱۷/۱ | ۱۸/۱ | ۲۸ | ۴/۱ | ۹۵/۹ | نگهداری پول، مسکوکات و طلا و جواهر در صندوق امانات بانک | ۸ |
| ۱/۶ | ۱/۳ | ۸ | ۹/۳ | ۱۱/۷ | ۶۷/۶ | ۲/۱ | ۹۷/۹ | ندادن اطلاعات به افراد ناشناس (پشت‌خط تلفن یا پشت در) | ۹ |
| ۱/۷ | ۰/۵ | ۷/۸ | ۱۱/۴ | ۲۱/۳ | ۵۷ | ۲/۱ | ۹۷/۹ | باز نکردن درب به روی افراد ناشناس | ۱۰ |
| ۲/۹ | ۲/۳ | ۱۴/۳ | ۱۶/۶ | ۵/۴ | ۷/۳ | ۵۹/۸ | ۴۰/۲ | آموزش موارد امنیتی به کودکان و افراد مسن و سالخورده | ۱۱ |
| ۳/۲ | ۰/۳ | ۵۳/۶ | ۲۲/۳ | ۱۱/۱ | ۱۲/۲ | ۰/۳ | ۹۹/۷ | قفل کردن کلبه‌ی درب‌های داخل ساختمان هنگام خروج از منزل | ۱۲ |
| ۲/۲ | ۰/۸ | ۱۳/۷ | ۲۴/۹ | ۲۲/۵ | ۳۶/۸ | ۱/۳ | ۹۸/۷ | روشن نگاه‌داشتن محوطه‌ی بیرون منزل | ۱۳ |

همچنین یافته‌های دیگر توصیفی نشان می‌دهد که میزان مشارکت پاسخگویان در پیشگیری از سرقت از منازل با توجه به میانگین ۲/۳ نشانگر میزان مشارکت نسبتاً پایین پاسخگویان در پیشگیری از سرقت از منازل است (جدول شماره ۲).

جدول ۲: آماره‌های توصیفی میزان مشارکت پاسخگویان در پیشگیری از وقوع سرقت از منازل

| مقدار | آماره |
|-------|--------------|
| ۳۸۶ | فراوانی |
| ۲/۳ | میانگین |
| ۰/۵۲ | انحراف معیار |
| ۱ | حداقل |
| ۴ | حداکثر |

(ب) یافته‌های استنباطی

از یازده فرضیه پیشنهادی، رابطه میان متغیرهای سن، جنسیت، سطح تحصیلات، میزان آگاهی افراد از روش‌های پیشگیری، میزان تعهد عام و میزان انگیزه با میزان مشارکت پاسخگویان در پیشگیری از وقوع سرقت مورد تأیید قرار نگرفت؛ لیکن رابطه میان منطقه سکونت افراد، نوع مالکیت واحدهای مسکونی، موقعیت جغرافیایی واحدهای مسکونی، میزان سرمایه اجتماعی افراد و میزان تمایل به رفتارهای غیرهمیارانه مورد تأیید قرار گرفت که در زیر به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

۱. بین منطقه‌ی سکونت افراد و میزان مشارکت آنان در پیشگیری از وقوع سرقت رابطه وجود دارد.

هر چند که میزان مشارکت کل پاسخگویان در پیشگیری از وقوع سرقت از منازل پایین است ولی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد؛ در مناطق ۷ و ۳ و ۸ به ترتیب میزان مشارکت بیشتری نسبت به سایر مناطق وجود دارد (این یافته‌ها تا حد زیادی با گزارش‌های سرقت از مناطق مختلف تبریز که از سوی منابع معتبر اعلام شده‌است، هم‌خوانی دارد).

آزمون آنالیز واریانس نیز همین امر را تأیید می‌کند (جدول زیر)؛ چرا که سطح معنادار محاسبه شده توسط SPSS کمتر از 0.05 است ($Sig = 0.000$).

جدول ۳: آزمون آنالیز واریانس

(متغیرهای منطقه سکونت و میزان مشارکت پاسخگویان در پیشگیری از سرقت از منازل)

| سطح معناداری | مقدار F | میانگین مجزورات | درجه آزادی | مجموع مجزورات | |
|--------------|---------|-----------------|------------|---------------|--------------|
| .۰۰۰ | ۱۷/۸۰۲ | ۳/۷۳۳ | ۷ | ۲۶/۱۲۸ | بین گروه‌ها |
| | | ۰/۲۱۰ | ۳۷۸ | ۷۹/۲۵۵ | درون گروه‌ها |
| | | | ۳۸۵ | ۱۰۵/۳۸۲ | کل |

۲. بین نوع مالکیت واحد مسکونی افراد و میزان مشارکت آنان در پیشگیری از وقوع سرقت رابطه وجود دارد.

با توجه به تفاوت‌های موجود در مالکیت واحدهای مسکونی، احتمال می‌رفت که سطح مشارکت پاسخگویان با یکدیگر متفاوت باشد؛ زیرا پس از ساکنان خانه‌های سازمانی که تعدادشان کمتر است؛ ساکنان واحدهای مسکونی شخصی بیشترین سطح مشارکت را در زمینه پیشگیری از سرقت دارند (۲/۴) و پایین‌ترین مقدار مربوط به ساکنان واحدهایی است که به صورت مجانی در آن‌ها سکونت دارند و مسئولیت کمتری در خصوص تأمین امنیت منزل برعهده آن‌هاست (۲/۱).

نتایج آزمون آنالیز واریانس نیز این فرضیه را اثبات می‌کند؛ زیرا سطح معنادار محاسبه شده توسط SPSS کمتر از 0.05 است ($Sig = 0.003$)؛ یعنی سطح مشارکت ساکنان واحدهای مسکونی بر اساس نوع مالکیتشان با یکدیگر متفاوت است (جدول شماره ۴). هم‌چنین با استفاده از روند بن‌فرونی^۱ معلوم شد که بین ساکنان واحدهای مسکونی شخصی و اجاره‌ای و نیز شخصی و مجانی این تفاوت‌ها مشهودتر است.

1. Bonferoni procedure

جدول ۴: آزمون آنالیز واریانس

(متغیرهای نوع مالکیت و میزان مشارکت پاسخگویان در پیشگیری از وقوع سرقت از منازل)

| سطح معناداری | مقدار F | میانگین مجذورات | درجه آزادی | مجموع مجذورات | بین گروه‌ها |
|--------------|---------|-----------------|------------|---------------|--------------|
| ۰/۰۰۳ | ۴/۷۹۱ | ۱/۲۸۰ | ۳ | ۳/۸۴۰ | بین گروه‌ها |
| | | ۰/۲۶۷ | ۳۷۵ | ۱۰۰/۱۸۱ | درون گروه‌ها |
| | | | ۳۷۸ | ۱۰۴/۰۲۱ | کل |

۳. بین موقعیت جغرافیایی واحدهای مسکونی و میزان مشارکت ساکنان آن‌ها در پیشگیری از سرقت رابطه وجود دارد.

هدف اصلی از بررسی موقعیت جغرافیایی، شناخت این نکته بود که آیا پاسخگویانی که منازل آن‌ها دارای حیاط است و به کوچه یا خیابان راه دارد (و به اصطلاح خانه‌شان شمالی است)، نسبت به کسانی که یا اصلاً حیاط ندارند و یا حیاطشان به کوچه و خیابان راه ندارد (و به اصطلاح خانه‌شان جنوبی است) از نظر میزان مشارکت در پیشگیری از سرقت در وضعیت مطلوب‌تری قرار دارند یا نه؟ یافته‌ها نشان می‌دهند که میانگین مشارکت پاسخگویانی که منازل آن‌ها دارای حیاط است و به کوچه یا خیابان راه دارد بیشتر از گروه دوم است. به عبارت دقیق‌تر، این گروه با توجه به اینکه احتمال سرقت از خانه آن‌ها بیشتر است مشارکت بیشتری در استفاده از روش‌های پیشگیری از سرقت دارند. آزمون تفاوت میانگین‌های دو گروه مستقل نیز، مؤید همین تفاوت در به‌کارگیری روش‌های پیشگیری از سرقت منازل است؛ زیرا با فرض برابری واریانس‌های دو گروه، سطح معنادار محاسبه شده (۰/۰۱۱) برای آزمون دو دامنه) کمتر از ۰/۰۵ است. پس می‌توان دریافت که بین موقعیت جغرافیایی و میزان مشارکت پاسخگویان در پیشگیری از سرقت رابطه وجود دارد:

جدول ۵: آزمون تفاوت میانگین دو گروه مستقل

(متغیرهای موقعیت جغرافیایی و میزان مشارکت پاسخگویان در پیشگیری از وقوع سرقت از منازل)

| آزمون T برای برابری میانگین‌ها | | | آزمون لون برای برابری واریانس‌ها | | گروه |
|--------------------------------|---------|------------|----------------------------------|---------|-----------------------------------|
| سطح معناداری | مقدار t | درجه آزادی | سطح معناداری | مقدار F | |
| ۰/۰۱۱ | ۲۸۶ | ۲/۵۵۳ | ۰/۴۰۰ | ۰/۷۱۰ | راه داشتن حیاط به کوچه یا خیابان |
| ۰/۰۱۲ | ۲۵۳/۰۴۹ | ۲/۵۲۸ | | | راه نداشتن حیاط به کوچه یا خیابان |

۴. بین سرمایه‌ی اجتماعی افراد و میزان مشارکت آنان در پیشگیری از وقوع سرقت رابطه وجود دارد.

همچنان که در چارچوب نظری تحقیق بحث شد؛ مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به ویژه از دیدگاه کلمن، نشان‌دهنده‌ی آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه (و در اینجا شهروندان تبریزی) می‌تواند به عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل کند. کلمن وجود سرمایه‌ی اجتماعی را در اعتماد، اطلاع‌رسانی و ضمانت‌های اجرایی کارآمد، روابط اقتدار و میزان تکالیف در گروه می‌داند. در بررسی توصیفی متغیرها، معلوم شد که میزان سرمایه اجتماعی پاسخگویان، در حد متوسطی قرار دارد و این وضعیت بی‌ارتباط با نحوه اطلاع‌رسانی و کارآمدی ضمانت‌های اجرایی و حتی پیوندهای شبکه‌ای و رسمی شهروندان نیست.

اما با توجه به نتایج آزمون همبستگی پیرسون (جدول شماره ۶)، می‌توان دریافت که فرضیه فوق اثبات می‌شود؛ یعنی بین میزان سرمایه اجتماعی پاسخگویان و میزان مشارکت آنان در پیشگیری، از سرقت رابطه وجود دارد ($Sig=.012$). هرچند که میزان همبستگی مستقیم این دو متغیر ($0/128$)، ضعیف ارزیابی می‌شود. این بدان معناست که اگر سرمایه اجتماعی شهروندان افزایش یابد؛ سطح مشارکت مردمی در پیشگیری از سرقت نیز افزایش خواهد یافت.

جدول ۶: آزمون همبستگی پیرسون

(متغیرهای میزان سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت پاسخگویان در پیشگیری از وقوع سرقت از منازل)

| تعداد نمونه | ضریب همبستگی پیرسون | سطح معنادار | متغیرها |
|-------------|---------------------|-------------|----------------------|
| ۳۸۶ | ۰/۱۲۸ | ۰/۰۱۲ | میزان سرمایه اجتماعی |
| | | | میزان مشارکت |

۵. بین میزان تمایل به رفتارهای غیر همیارانه و میزان مشارکت مردم در پیشگیری از وقوع سرقت رابطه وجود دارد.

در توصیف داده‌ها مطرح شد که رفتار غیرهمیارانه، رفتاری است که در آن، منافع جمع، بنا به دلایل مختلفی هم چون سوابق منفی ذهنی و عملی افراد از رفتارهای مشارکتی، نادیده گرفته می‌شود. در مجموع نیز، میزان تمایل به رفتارهای غیر همیارانه در حد متوسط ($2/9$) ارزیابی شد که در مقایسه با متغیر تعهد عام سؤال‌برانگیز بود؛ زیرا همان‌گونه که بررسی شد، میزان تعهد عام پاسخگویان در حد نسبتاً زیادی قرار داشت.

آزمون همبستگی پیرسون (جدول شماره ۷)، رابطه میان میزان تمایل به رفتارهای غیرهمیارانه و میزان مشارکت مردم در پیشگیری از سرقت را تأیید می‌کند و ضریب همبستگی $0/202$ - نشانگر همبستگی ضعیف و معکوس این دو متغیر است. بدین معنا که با کاهش تمایل به رفتارهای غیرهمیارانه میزان مشارکت در پیشگیری از سرقت افزایش می‌یابد.

جدول ۷: آزمون همبستگی پیرسون

(متغیرهای میزان تمایل به رفتارهای غیرهمیارانه و میزان مشارکت پاسخگویان در پیشگیری از وقوع سرقت)

| تعداد نمونه | ضریب همبستگی پیرسون | سطح معنادار | متغیرها |
|-------------|---------------------|-------------|-----------------------|
| ۳۸۴ | $-0/202$ | ۰/۰۰۰ | رفتارهای غیر همیارانه |
| | | | میزان مشارکت |

نتیجه‌گیری

امروزه پلیس به تنهایی، به عنوان متولی اصلی پیش‌گیری از جرائم مطرح نیست و دولت‌ها می‌کوشند از طریق جلب مشارکت مردمی در ابعاد مختلف، زمینه‌های بروز و شکل‌گیری جرائم و از جمله سرقت را کاهش دهند. در این تحقیق نیز، هدف اصلی شناسایی میزان مشارکت مردم در پیشگیری از سرقت به عنوان یکی از مأموریت‌های اصلی نیروی انتظامی و هم‌چنین شناخت موانع موجود بر سر راه این مشارکت بود. لیکن با توجه به یافته‌های تحقیق، معلوم شد که اساساً سطح مشارکت مردم پایین است و این مهم‌ترین مسئله‌ای است که ما در این قسمت می‌کوشیم؛ ریشه‌ها و عوامل اثرگذار بر آن و در نتیجه موانع بر سر راه مشارکت را شناسایی و معرفی کنیم.

به‌طور کلی نتایج این تحقیق، یافته‌های سایر نظریه‌ها و نتایج را تأیید می‌کند. نتایج این تحقیق تأییدی است بر نظریه سرمایه اجتماعی کلمن که به‌طور غیرمستقیم بیان می‌دارد: «سرمایه‌ی اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنش‌گر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منابع خود دست یابد. هر چه میزان سرمایه اجتماعی سازمان پلیس کاهش یابد، مشارکت‌های مردم با پلیس در جهت پیشگیری از وقوع سرقت کاهش می‌یابد؛ یعنی مردم به دلیل کاهش اعتماد به پلیس به تکالیف خود که از سوی پلیس از مجراهای مختلف اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود، آگاه نمی‌باشند»؛ به عبارت دیگر، نیروی انتظامی و سایر سازمان‌های ذی‌ربط به دلیل کاهش سرمایه‌های اجتماعی،

نتوانسته‌اند با استفاده از جزوات آموزشی، سریال‌های تلویزیونی و سایر برنامه‌ها و روش‌های کارآمد و فراگیر، مردم را با روش‌های پیشگیری از سرقت آشنا سازند و منافع مشارکت در این امر و هزینه‌های عدم مشارکت را به صورتی عینی و عملیاتی آموزش دهند؟! نتیجه آنکه فقدان روش‌های کارآمد و فراگیر برای آموزش صحیح مشارکت در پیشگیری از سرقت و افزایش کم و کیف آگاهی مردم و در عین حال عدم توجه به نهادینه‌سازی این آگاهی‌ها در بستر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، یکی از موانع اصلی بسط و توسعه مشارکت مردمی در پیشگیری از سرقت محسوب می‌شود.

از سوی دیگر یافته‌های تحقیق با بسیاری از نتایج پیشین منطبق است. به عنوان نمونه، یافته‌های این تحقیق با یافته‌های مجیدی پیرامون بررسی میزان اثربخشی اقدامات پلیس پیشگیری در کاهش سرقت خودرو در مشهد (سال ۱۳۸۶) منطبق است که استفاده از نیروهای مجرب و آموزش‌دیده در کنار بهره‌گیری از تجهیزات مناسب و استفاده از سرمایه‌های اجتماعی پلیس در جلب مشارکت‌های مردمی نقش مهمی در شناسایی سارقان دارد.

از سوی دیگر یافته‌های تحقیق با پژوهش‌های فرارایی‌فر منطبق است که بیان می‌دارد: «برای مبارزه با سرقت باید در کنار عوامل انتظامی و آموزشی به جلب مشارکت مردمی و همچنین تعامل و همکاری با سازمان‌ها و مؤسسات درون و برون‌سازمانی در کشف اتومبیل‌های مسروقه توجه کرد» و در همین راستا یافته‌های تحقیق با تحقیقات شایگان منطبق است که اساساً معتقد است: «بین میزان سرمایه‌ی اجتماعی پلیس و همکاری با پلیس رابطه وجود دارد»؛ بنابراین، مردم در همکاری با پلیس، به طرف مقابل نگاه می‌کنند. هر چه پلیس بیشتر با آن‌ها ارتباط داشته باشد و به آن‌ها اعتماد کند، قطعاً روابط مردم هم با او صمیمانه خواهد شد و در نهایت نتیجه‌ی مثبتی برای جامعه در ایجاد نظم و امنیت دارد.

به‌طور کلی در جمع‌بندی از موانع مشارکت مردمی در پیشگیری از وقوع سرقت از منزل می‌توان گفت که:

۱. فقدان روش‌های کارآمد و فراگیر برای آموزش صحیح مشارکت در پیشگیری از سرقت و افزایش کم و کیف آگاهی مردم.
۲. عدم توجه به نهادینه‌سازی این آگاهی‌ها در بستر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی.

۳. ضعف آگاهی مردم نسبت به مزایای مشارکت در پیشگیری از سرقت و نیز عدم توجه به کاهش هزینه‌ها در صورت مشارکت و در نتیجه تمایل کمتر به مشارکت.
۴. کم‌توجهی به نقش کودکان و سالخوردگان در جریان کاربست روش‌های پیشگیری.
۵. ضعف‌های هنجاری - قانونی یا نبود ضمانت‌های اجرایی محکم و اطمینان‌بخش در راستای توسعه مشارکت مردمی.
۶. بالا بودن تمایل به رفتارهای غیرهمیارانه.
۷. ضعف پیوندهای شبکه‌ای و کاهش همبستگی اجتماعی مردم در زمینه مشارکت برای پیشگیری.
۸. مشارکت اندک مردم در گروه‌های رسمی و یا حتی غیردولتی.
۹. ضعف عوامل و محرک‌های انگیزشی در جهت همکاری با پلیس و سایر سازمان‌های ذی‌ربط (به دلیل مشروط کردن همکاری).

پیشنهادها

حال می‌توان با توجه به موانع شناسایی شده، پیشنهادها و راهکارهای معینی را در جهت افزایش مشارکت مردمی در پیشگیری از سرقت از منازل و کاهش تدریجی موانع یادشده مطرح کرد؛ اما پیش از آن یادآوری یک نکته، بسیار مهم و اساسی است و آن اینکه، ما در اینجا کوشش کرده‌ایم برای کاهش موانع و افزایش مشارکت، به جای راهکارهای کلی، پراکنده و عملاً غیرقابل اجرا، پیشنهادهای خود را به صورتی نظام‌مند و هدفمند سامان دهیم که از یک‌سو اجرای آن‌ها به صورت عملیاتی امکان‌پذیر باشد و از سوی دیگر بتوان نتایج اقدامات به عمل آمده را بررسی و ارزیابی کرد.

امروزه یافته‌های نظری و تجربی رشته‌های مرتبط با حوزه‌ی مطالعه‌ی جرم و کج‌روی، روش‌های تازه‌ای را برای بالندگی راه‌حل‌های پیشگیرانه مطرح ساخته‌اند. یکی از راهکارهای جدید پیشگیری از جرم (از جمله سرقت)، بسط و توسعه نظم و کنترل اجتماعی است. آموزه‌ی زیربنایی این راهکار آن است که بدون همکاری جامعه، نمی‌توان به شکل مؤثری به پیشگیری از جرم پرداخت. این برنامه، افراد، گروه‌ها و مجموعه‌ی واحدهای اجتماعی را دست‌اندرکار تأمین امنیت در جامعه می‌داند و می‌کوشد تا نوعی سیاست پیشگیری خاص را با به کار گرفتن نیروهای مردمی به اجرا درآورد.

چهار راهکار اصلی این سیاست پیشگیری، عبارت‌اند از: «مشاوره»، «سازگاری»، «تجهیز» و «پردازش مشکل» که پیشنهاد می‌شود فرماندهی انتظامی استان، با تشکیل کارگروه‌هایی مرکب از صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران درون‌سازمانی و برون‌سازمانی و حتی نمایندگانی از گروه‌های مختلف مردم ساکن در مناطق تبریز، نسبت به تعمیق و عملیاتی کردن آن‌ها اقدامات لازم را به عمل آورد:

۱. مشاوره: درون‌مایه‌ی مشاوره، پدید آوردن ساختارهای جدید با بررسی اولویت‌ها و راهکارهای پیشگیری است که با تکیه بر هم‌فکری اعضای جامعه و عمق بخشیدن به تماس‌های مردم و دست‌اندرکاران از طریق برگزاری همایش‌های مستمر و در قالب تشکیل گروه‌هایی خاص به نام «کمیته‌های مشورتی» صورت می‌پذیرد.

۲. سازگاری: این راهکار، به نیازهای انتظامی مواجهه با سرقت و تفاوت آن‌ها، بر حسب مکان توجه دارد و دربرگیرنده‌ی اقدامات و برنامه‌ریزی پلیس در زمینه‌ی پیش‌بینی فعالیت‌های قانونی خاص به تناسب موقعیت‌ها، مکان‌ها و مردم و فراهم ساختن زمینه‌ی اجرای آن‌هاست.

۳. تجهیز: این محور که اساس و بنیاد سیاست پیشگیری بر مبنای رویکردهای نظم و کنترل اجتماعی است؛ بیانگر نحوه اقدامات پلیس برای افزایش مشارکت مردمی در کار پیشگیری و بهینه‌سازی این تلاش‌ها از طریق به‌کارگیری تجربه‌ی حرفه‌ای خود و رهبری آن‌هاست. به همین سبب، تجهیز از جمله عملی‌ترین راه‌های افزایش منابع مواجهه با سرقت و هرگونه جرائم دیگر به حساب می‌آید و به دلیل هزینه‌های بالای افزایش حضور پلیس و فشارهای وارد بر بودجه‌ی دولتی، مورد توجه قرار گرفته است.

۴. پردازش مشکل: در این محور نیز افراد تشویق می‌شوند تا با بهره‌گیری از آموزش‌های لازم، فعالیت‌های مؤثری را در شرایط بحرانی ارتکاب سرقت انجام دهند و از این طریق، فرصت بیشتری را برای اقدامات مؤثر پلیس فراهم آورند و محدوده‌ی واکنش‌های ممکن آن را گسترش دهند. در این محور، هم‌چنین به تحلیل نیازها و برآورد فعالیت‌هایی می‌پردازند که پلیس و جامعه می‌توانند در راستای کارآمدتر ساختن مبارزه با سرقت انجام دهند.

منابع

- اتکینسون، آن (۱۳۸۵). **پلیس جامعه‌محور**، ترجمه‌ی سروش بهربر، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی، چاپ اول.
- اجاللی، پرویز (۱۳۸۳). **چکیده‌ی مباحث مطرح‌شده در محور سرقّت**، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، جلد ششم: مسائل و جرائم مالی اقتصادی و سرقّت، تهران: انتشارات آگه.
- اداره‌ی کل مطالعات اجتماعی ناجا (۱۳۸۴). **شناسنامه و چکیده‌ی تحقیقات و مطالعات اجتماعی (ویژه‌نامه)**، تهران: انتشارات آشنایی، چاپ اول.
- امانی، مهدی (۱۳۷۷). **مبانی جمعیت‌شناسی**، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- باستانی، سوسن (۱۳۸۷). **بررسی سرمایه‌ی اجتماعی شبکه در ۱۰ محله‌ی تهران: بررسی جایگاه روابط محلی شبکه‌های اجتماعی، مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران**، دوره‌ی دوم، شماره‌ی ۲، صص ۷۴-۵۵.
- بیرو، آلن (۱۳۶۶). **فرهنگ علوم اجتماعی**، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ سوم.
- بیرهوف، ورنر (۱۳۸۴). **رفتارهای اجتماعی مطلوب از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی**، ترجمه‌ی رضوان صدقی‌نژاد، تهران: انتشارات گل‌آذین.
- تمنا، سعید (۱۳۸۹). **مبانی جمعیت‌شناسی**، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ هشتم.
- **جزوه‌ی آموزش همگانی (با رویکرد اجتماعی، انتظامی و اخلاقی)**، تبریز: معاونت اجتماعی و ارشاد فرماندهی انتظامی استان آذربایجان شرقی، ۱۳۸۴.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۱). **بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران**، تهران: موسسه‌ی پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- حسینی، رضا (۱۳۸۳). **بررسی آمار جرائم در ایران (۱۳۸۰-۱۳۷۶)**، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، جلد یکم: آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران، تهران: انتشارات آگه.
- دعاگویان، داود (۱۳۸۲). **ساختار جامع تعامل پلیس و مردم**، سازمان تحقیقات ناجا.

- ربانی، رسول (۱۳۸۱). **جامعه‌شناسی شهری**، اصفهان: انتشارات سمت.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). **نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر**، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ اول.
- سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲). **درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی**، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۵). **جامعه‌شناسی کج‌روی**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۳). ابعاد و کارکردهای سرمایه‌ی اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن، **بررسی مسائل اجتماعی ایران**، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- شایگان، فریبا (۱۳۸۸). نقش سرمایه‌ی اجتماعی پلیس در جلب همکاری مردم در جهت برقراری نظم و امنیت، **فصلنامه‌ی نظم و امنیت انتظامی**، سال دوم، شماره‌ی ۹.
- شیخوندی، داور (۱۳۷۹). **جامعه‌شناسی انحرافات، مسائل جامعه، مشهد: نشر مردیز.**
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳). **آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)**، تهران: انتشارات آن، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
- صفری شالی، رضا (۱۳۸۷). بررسی ابعاد جامعه‌شناختی امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، **فصلنامه‌ی پلیس پایتخت**، سال اول، شماره‌ی اول.
- عبدالمهی، محمد (۱۳۸۳). **آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران**، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، جلد یکم: آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن، تهران: انتشارات آگه.
- فرید یحیایی، علی (۱۳۸۰). **فرایند گذار و موانع توسعه و دموکراسی در ایران**، تبریز، ناشر: مؤلف.
- فیالکوف، یانکل (۱۳۸۳). **جامعه‌شناسی شهر**، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات آگه، چاپ اول.
- لیتل، دانیل (۱۳۷۳). **تبیین در علوم اجتماعی (درآمدی به فلسفه‌ی علم‌الاجتماع)**، ترجمه‌ی عبدالکریم سروش، تهران: موسسه‌ی فرهنگی صراط، چاپ اول.

- محسنی تبریزی، علی‌رضا (۱۳۸۱). روان‌شناسی اجتماعی، گروه توسعه‌ی روستایی دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

- معاونت اجتماعی ناجا (۱۳۸۳). **سیمای تحولی نیروی انتظامی**.

- معیدفر، سعید (۱۳۸۷). **هویت محله‌ای و پیشگیری از جرم**، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیر از جرم با رویکرد جامعه‌شناختی، تهران: معاونت آموزش ناجا، اداره‌ی کل منابع و متون درسی.

- معیدفر، سعید و سید علی‌رضا دربندی (۱۳۸۵). بررسی رفتار و نگرش جمع‌گرایانه‌ی شهروندان تهرانی، **مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران**، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۳، صص ۵۸-۳۴.

- وثوقی، منصور و افراسیاب فرجی (۱۳۸۵). پژوهشی جامعه‌شناختی در زمینه‌ی عوامل مؤثر بر تمایل کشاورزان به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی، **مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران**، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۲، صص ۱۱۸-۱۰۱.

- هاتفی اردکانی، حسین (۱۳۸۳). **برخی ویژگی‌های سرقت از اماکن در یزد، خرم‌آباد و شرق تهران: نگاهی مقایسه‌ای**، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، جلد ششم: مسائل و جرائم مالی اقتصادی و سرقت، تهران: انتشارات آگه.

- هوشمند، احسان و ناهید کوه‌شکاف (۱۳۸۳). **پدیده‌ی سرقت و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در استان کردستان (۱۳۷۶-۱۳۷۷)**، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، جلد ششم: مسائل و جرائم مالی اقتصادی و سرقت، تهران: انتشارات آگه.

- Schatzow, Steven (1977), **the Influence of Public Federal Environment, Decision Making in Canada in Public Participation in Planning**. Edited By SEWELL. Johnvilly.

